

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

در مقابل تعرض جمهوری اسلامی به دانشگاه

باید ایستاد

*مقابله با تعرض رژیم در دانشگاه از صف ارتجاعی

جنبش سبز و تحکیم وحدت جدا است

با بازگشایی دانشگاهها هراس و وحشت سران جمهوری اسلامی از تحرک اعتراضی و مبارزات دانشجویان آشکارا خود را نشان داده است. تهدیدات فرماده سپاه پاسداران و دیگر مقامات جنایتکار نظامی و انتظامی در بسیج محیط دانشگاه و دانشجویان و بگیر و ببندهای تاکتونی در همین اوایل سال تحصیلی گواه این ترس انکار ناپذیر هیئت حاکمه است. نگرانی و وا همه آنها بیمورد نیست. دانشگاه همیشه یک کانون پرشور و محکم، میلتنلت و رادیکال در مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و اختناق بوده است. دانشجویان چپ و رادیکال از پیشگامان مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم علیه ارتجاع سرمایه و دیکتاتوری بوده اند. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نشان دادند که صدای رسای حق طلبی کارگر و زن و مردم و آزادیخواهان جامعه هستند. پیشروی مبارزه آزادیخواهانه در دانشگاه در چند سال گذشته، مستقیماً بر فضای کل جامعه تأثیر گذاشت و وسیعترین سمپاتی را متوجه خود کرد. جنایتکاران حاکم این واقعیت را تجربه کرده اند. به همین دلیل هراسناک به تقلا افتاده اند. احکام سنگین دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب درست همزمان با عریه های اسلامی کردن دانشگاهها، انقلاب فرهنگی و نظامی کردن فضای دانشگاه، نشانه احساس خطری است که جمهوری اسلامی از رشد مجدد رادیکالیسم و چپ در دانشگاهها

صفحه ۲



مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

مصاحبه با فصلنامه خاوران، با منصور حکمت

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگردد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام

صفحه ۴

صفحه ۶

صفحه ۲

* در دفاع از زندانیان سیاسی زندان سنندج

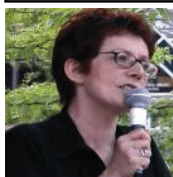
* اکسیون اعتراضی علیه اعدام

پاکسازی دانشگاهها از بسیج دانشجویی پیش درآمد

غیراسلامی کردن دانشگاهها

در حاشیه تعرض رژیم به دانشگاهها

ثریا شهبانی



شروع سال تحصیلی جاری همراه بود با موجی از ارباب نظامی - اسلامی از طرف سپاه و بسیج دانشجویی و مقاومتی سراسری از طرف دانشجویان در سراسر ایران. دولت محیط دانشگاهها را بیش از پیش پلیسی - نظامی کرد، و با براه انداختن بساط احضارهای گسترده دانشجویان به کمیته های انضباطی و حراست و دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، با تلاش برای تعطیلی تدریجی کوی دانشگاه تهران و بستن در خوابگاه بروی صدها دانشجو و از جمله دختران دانشجو، و محرومیت از تحصیل و صدور احکام زندان و حبس های طولانی به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، میدان دیگری از جنگ با جوانان در سراسر ایران را براه انداخت. بعلاوه حضور طبیفی از مقامات دولتی و اعضا شورای انقلاب فرهنگی در دانشگاهها برای ساکت کردن دانشجویان و حضور چهره های منفوری چون حداد عادل در دانشگاه تهران، با نفرت دانشجویان روبرو شد و به خشم آنها علیه اختناق حاکم، بیش از پیش دامن زد.

صفحه ۳

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۲۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ نیمه شب

نشریه مذب کمونیست کارگری حکمتیست هر

هفته جمعه ها منتشر می شود

پرتو را بفمایند و به دوستان خود معرفی کنیاد

پرتو

در حاشیه اعتصاب غذای

کارگران واگن پارس

خالد حاج محمدی

طبق اخبار خبرگزاری ایلنا کارگران واگن پارس اراک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و سنوات معوقه نست به اعتصاب غذا زده اند. این اعتراض نهمین اعتراض کارگران در ۶ ماه گذشته است. کارگران اعلام کرده اند در صورت بی توجهی مسئولین به خواسته های آنها جاده ورودی به اراک را مسدود خواهند کرد. طبق همین خبر کارگران بازنشسته مجبورند از جیب خود وجه بیمه اجتماعی را برای برخورداری از حقوق بازنشستگی پرداخت کنند.

اعتصاب و اعتراض کارگران واگن پارس یکی از صدها مورد از اعتراضات کارگری به عدم پرداخت حقوق معوقه و اخراج و بیکار سازی و سایر مشکلات آنها است.

در این جامعه روزانه میلیاردها دلار هزینه نیروهای مسلح و دم و دستگاه سرکوب است. در این جامعه به اسم حفاظت از زندگی شهروندان آن، چند میلیون نیروی انتظامی و بسیج و سپاه اجبر شده اند. هر اعتراض کارگری و هر صدای آزادیخواهانه زیر نام حفظ نظم عمومی و امنیت کشور سرکوب خواهد شد. اما جایی که سرمایه داران حقوق مردم را به جیب میزنند، جایی که کارگران بعد از عمری کار و تلاش از کار اخراج خواهند شد، جایی که فقر و محرومیت در دوران بازنشستگی نسل پا به سن گذاشته این طبقه را با مرگ تهدید میکند، چندین میلیون انسان کارکن با مشکلاتشان رها خواهند شد و نظم و امنیت جامعه شامل حال آنها نمیشود.

این قانونمندی وارونه جامعه ای است که گرسنگی و مشقات بخش اعظم مردمان آن نیاز اقلیتی حاکم است تا سرمایه انوزی کنند و از قبل فقر و محرومیت دیگران سرمایه های کلا به جیب بزنند. این نیاز جامعه ای است که دولت ابزار حفظ مناسبات ظالمانه حاکم و قوانینی است که برای دست و پا بستن اکثریت مردم آن از جانب طبقه حاکم وضع شده است. همین قانونمندی به ما میگوید که به اندازه قدرتمان و نیرویی که به میدان می آوریم به خواسته های خود خواهیم رسید.

اعتصاب غذا کارگران واگن پست اما راه رسیدن کارگران به حقوق خود نیست. این تاکتیک از جانب کارگران نه تنها فشار جدی بر کار فرما و دولت نمی آورد، جسم و روح کارگران را فرسوده خواهد کرد و نیرو و توان آنها هدر خواهد داد. با این حال فهم

صفحه ۳

زنده باد سوسیالیسم

در مقابل تعرض جمهوری اسلامی به دانشگاه باید ایستاد

دارد. به زعم خود می‌خواهند از همان ابتدای سال بترسانند و مرعوب کنند و از این طریق نه تنها دانشگاه و دانشجویان را سرکوب کنند، بلکه عقب گردی را به کل جامعه تحمیل کنند. در نتیجه مصافی تعیین کننده میان ارتجاع سیاه حاکم و دانشگاه به عنوان یکی از کانونهای پر قدرت مبارزات اجتماعی در جریان است. این کشمکش محدود به دانشگاه و دانشجویان نیست. انعکاسی از مبارزات وسیعتر اجتماعی علیه جمهوری اسلامی است. جنایتکاران حاکم این حقیقت را به خوبی درک کرده اند و به همین دلیل بی ابهام در پی سرکوب دانشگاه هستند. صف رادیکال مبارزات دانشجویان وکل اعتراض حق طلبانه و آزادیخواهانه جامعه لازمست این خطر را جدی بگیرند و بی ابهام در صفی متحد و آگاهانه و همبسته با پرچمی روشن در مقابل تلاش برای سرکوب دانشگاهها و دانشجویان سنگر بندی کنند. اتحاد و همبستگی رادیکال دانشجویان و حمایت بی چون و چرای دیگر مبارزات آزادیخواهانه در جامعه زیر پرچم آزادی و برابری موثرترین راه مقابله با تعرض تدارک دیده شده علیه دانشجویان است. به این مبارزه باید پیوست و با اتحاد و همبستگی تلاش جمهوری اسلامی در سرکوب دانشگاه را ناکام گذاشت.

همزمان با خطر تعرض سرکوبگرانه باند سیاه حاکم به دانشگاه و بر متن سرکوب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، جناح سبز اسلامی و دفتر تحکیم وحدت این بازوان همیشه آماده حفظ "نظام" مجدداً قد علم کرده اند. سبز برای حفظ موقعیت و موجودیت خود و در راستای جنگ قدرت با جناح حاکم می‌خواهد بر موج اعتراض حق طلبانه دانشجویان سوار شود، آن را مهار کند و به زیر پرچم خود درآورد. می‌خواهند از نفرت دانشجویان علیه استبداد حاکم در خدمت اهداف ارتجاعی خود و جنگ جناحی جمهوری اسلامی استفاده کنند. دانشجویان آزادیخواه و رادیکال پیشینه سردمداران جنبش سبز و امثال موسوی از مبتکران انقلاب فرهنگی و سرکوب و کشتار در دانشگاه و حامیان سی ساله نظام یعنی تحکیم وحدت را میدانند. نقش آنها را در سرکوب و کشتار و دستگیری و اختناقزدن کردن دانشگاه را میدانند، ضديت آنها را با تحرک رادیکال در دانشگاه را میدانند و به همین دلیل موظفند با آگاهی در مقابل ترفند های جنبش سبز و تحکیم وحدت و حامیان لیبرال و ناسیونالیست آنها در دانشگاه قد علم کنند. نباید اجازه داد به دلیل بی تشکلی صف آزادیخواهان و رادیکالهای دانشگاه، دانشجویان حق طلب و معترض ناچاراً زیر پرچم سبز و تحکیم وحدت جمع شوند. نباید اجازه داد دانشگاه گوشت دم توپ جنگ جناحی رژیم شود. لازم است صف آزادیخواهی و برابری طلبی دانشگاه دوباره احیا شود. باید جنبش سبز و تحکیم وحدت و حامیانشان را در دانشگاه منزوی کرد. دانشجویان چپ و آزادیخواه در راستای سروسامان سیاسی و سازمانی آزادیخواهان در دانشگاه رسالت مهمی را بر عهده دارند. باید با صفی متمایز و رادیکال هم در مقابل سرکوبگری جناح سیاه اسلامی و هم در مقابل ترفندهای ارتجاعی جنبش سبز ایستاد. این تنها راه پیشروی تحرک رادیکال در دانشگاه است. لازم است تضمین کرد تحرک سیاسی و رادیکال، مقابله با اسلامی و نظامی کردن دانشگاه تماماً از صف ارتجاع سبز و دفتر تحکیم وحدت جدا باشد.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱۶ مهر ۱۳۸۸ - ۹ اکتبر ۲۰۰۹

روز جهانی علیه مجازات اعدام - اکسیون اعتراضی علیه اعدام و علیه توحش جمهوری اسلامی

روز دهم اکتبر بعنوان روز جهانی اعتراض علیه مجازات اعدام شناخته شده است. این روز، بعنوان یک فرصت اعتراض علیه همه دولتها و قوانینی است که هنوز مجازات اعدام در آنها جریان دارد. لغو حکم اعدام بر علیه هر گونه متهمین، بعنوان یکی از سمبهای تمدن بشریت مدرن بحساب میآید. برای تحمیل این خواست روشن و برحق در تمام کشورهای دنیا هنوز کار زیادی باقی است. در میان دولتهای چه بسا صاحب اعتبار در میان مجامع بین المللی این حکم اجرا میگردد. هنوز در بسیاری از کشورها این حکم توسط دولتهای حاکم مستقیماً علیه زندانیان و مخالفین سیاسی و آشکارا برای ایجاد ترس و رعب و وحشت به وسعت بکار گرفته میشود. نمایندگان همین دولتها در مراجع بین المللی صاحب رای و کرسی هستند. اعتراض علیه حکم اعدام، اعتراض علیه این مجازات، اعتراض علیه دولتهای بکار گیرنده آن و در عین حال روز اعتراض و فشار برای مراجع بین المللی است که باید فوراً و بدون چون و چرا به این روش و عملکرد عمیقاً غیر انسانی و غیر متمننه پایان داده شود.

جمهوری اسلامی همواره و در سال جاری با موج اعدامها و در وحشیانه ترین فرم ممکن، با اعدام در خیابانها و با نمایشات فوق ارتجاعی در صدر توجه قرار داشته است. در این رژیم انسانی که در موقع ارتکاب در سنین کودکی قرار داشته اند، آنهم در سیستم قضایی انباشته از فساد و نارسایی دسته دسته اعدام میشوند. در این رژیم حریم زندگی کاملاً خصوصی انسانها مورد تعرض قرار میگیرد و با حکم وحشیانه سنگسار، زنان و مردان مجازات میشوند. در این رژیم برای کشتن انسانها، نه قانون و نه محاکمه، نه اثبات جرم، نه زندان و نه حتی تشریفات ویژه هیچیک ضروری نیست. در طول چند ماه گذشته دهها نفر از مردم را فقط به جرم اعتراض در خیابانها، در بیمارستانها، در خوابگاه دانشگاه و در انباری کهریزک به گلوله بسته اند، با چاقو و چماق و مشت و لگد کشته اند. همه جوهره کثیف و ضد انسانی اعدام را میتوان در هیئت تداوم حکومت اسلامی ایران لمس کرد. این روز جا دارد که اعتراض علیه مجازات غیر انسانی اعدام را به روز افشاگری کل بربریت و سرکوب و توحشی سازیم که در ایران تحت تسلط جمهوری اسلامی در جریان است.

در همراهی با تحرک اعتراضی بین المللی علیه مجازات اعدام در دهم اکتبر و برای اعتراض علیه جمهوری اسلامی در ایران تظاهراتی در مرکز شهر استکهلم ترتیب داده میشود. از همه نهادها و جریانات برای پیوستن به این فراخوان و برگزاری تظاهراتی گسترده تر دعوت بعمل میآوریم.

جمعه ۹ اکتبر از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر مقابل ساختمان پارلمان در Minttorget

تشیکلات شهری حزب حکمتیست

۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹

تماس: بهنام آراتی

تلفن: ۰۷۳۹۶۵۵۸۱۷

آزادی ، برابری ، حکومت کارگری

➔ در حاشیه اعتصاب ..

موقعیتی که کارگران واگن پست در آن قرار دارند، وعصبانیت و نگرانی آنها سخت نیست و اعتراض آنها باید مورد بیشترین حمایت قرار بگیرد.

اعتراضات مختلف و هزار باره بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران، از واگن پارس تا ایران خودرو و نساجیها، از شرکت واحد تا کارگران هفت تپه، از کارگران عسویه تا

کارگران بندر، هیچکدام نتوانسته است به تتهلی فشاری جدی بر سرمایه داران و دولتشان وارد کند. هیچکدام نتوانسته است عقب نشینی جدی به آنان تحمیل کند. همیشه بعد از کلی سردوانی کارگران، سرانجام به جای برآورد شدن خواستههایشان، زندان و تهدید و ارباب و دادگاه و محاکمه هم در انتظارشان بوده است. سرنوشت فعالین شرکت واحد و کارگران هفت تپه و کارگران نساجی در این زمینه آموزنده است.

پراکندگی صفوف کارگران و اعتراضات جداگانه و از هم گسیخته، دردی است که مبارزه و جانفشانی کل این طبقه را کم ستاورد کرده است و دست دولت و صاحبان سرمایه را در سرکوب آن باز گذاشته است. راهی در مقابل ما جز ایجاد صفی متحد و سراسری حول مهمترین خواستههای خود از افزایش دستمزد ها تا تامین بیمه بیکاری مکفی و حق تشکل و .. نیست. رهبران و فعالین اعتراض

کارگری باید متوجه این مسئله باشند که ایجاد چنین شرایطی، ایجاد چنین سطحی از اتحاد در صفوف طبقه کارگر بر دوش آنها میتواند صورت بگیرد. اتحاد صف رهبران و فعالین کارگری و ایجاد ملزومات چنین اتحادی امروز از آن شب برای طبقه کارگر واجب تر است.

➔ پاکسازی دانشگاهها

این تعرض هم همچون همه تعرضهای قبلی، قلمچاقی و دهن دردیگی کیهان شریعتمداری را البته ضمیمه خود داشت. باز فضولات و زیاله هایی چون "راه نورانی شدن دانشگاه" و ضرورت "ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه" و "اسلامی شدن دانشگاهها" و تشخوار آن از زبان جاتورانی چون آیت الله جوادی آملی، صفحات کیهان شریعتمداری این ارگان رسمی جناح کف بردهان و قمه کش حکومت، را تزیین کرد.

تعرض رژیم به دانشجویان در سراسر ایران، با مقولمتی سراسری از طرف جوانان و دانشجویان، دختر و پسر، روبرو شده است. در دانشگاههای سراسر ایران،

دانشجویان در مقابل تعرض و حمله دولت شجاعانه مقاومت میکنند. تعرض و التهاب مقاومت، فضای سراسر دانشگاههای ایران را فراگرفته است.

کیهان شریعتمداری و رطیل های زهر آگینی چون آیت الله جوادی آملی، و خیل گله آیت الله های قمه کش، و بسیج دانشگاهی و سپاه، از جمله در راس همه خامنه ای، خود به خوبی میدانند که بساط قرون وسطایی شان تنها در پناه چوبه های دار و سنگسار و حکم جهاد و شکنجه، گرم و باز است. میدانند که ولایت و امامت و جمهوریت شان، پلایه های حکومتشان، سرتاسر لرزان تر از آن است که بتواند در مقابل وزش کمترین اعتراض سراسری، متحد، و آگاه مردم، مقاومت کند.

حمله به دانشگاهها و دانشجویان، حمله به اعضا کثون صنفی معلمان و سندیکا واحد و اعدام نوجوانان و بستن در حتی روزنامه های خودی و قربانی کردن آخوندهای نافرمان در دادگاههای ویژه روحانیت و برسر و کله خودی ترین خودیپاشان زند، همه و همه برای جلوگیری از تعرض متحدانه و آگاهانه مردم است.

این ها نگرانی از جانب طوفانهای موسمی از نوع دوخرداد و جنبش سبز، و تخلفات خودی ها و برادران خونی شان در جنبش اسلامی، ندارند. اگر آنها را میزنند برای زهرچشم گرفتن از مردم و نیرویی است که گورکنان واقعی سازماندهندگان سه دهه این زندگی جهنمی برای مردم ایران اند. نگرانی این ها از تعرض جوانانی است که سهم خود را کمتر از سهم هیچ جوانی در جهان نمی دانند. نسلی که تباهی زندگی کودکی اش را دستمایه مبارزه برای دسترسی به یک زندگی جوانی انسانی، همین امروز، کرده است. نسلی که با ایده های انسانی دنیا معاصر، با چپ و کمونیسم و آزادیخواهی شناسست و بشدت از آن متأثر است. ترس رژیم

و امروز جوانان و دانشجویان در سراسر ایران در مقابل دست درازی بیشتر رژیم به محیط آموزشی شان مقاومت میکنند.

دانشجویان و جوانان میتوانند دانشگاهها و محیط های آموزشی خود را از بسیج دانشجویی و اسلامیت پاکسازی کنند. اگر فاصله خود از جنبش اسلام سبز و رهبران آن، معلوم کنند. نباید اجازه داد خشم و اعتراض برحق علیه احکام انضباطی و اخراج و حبس و شکنجه را، پشت جبهه کمپین های تبلیغاتی آخوندی به جای آخوند دیگر با موسوی به جای احمدی نژاد کرد. موسوی و احمدی نژاد، در اولین تعرض به دانشگاهها در انقلاب فرهنگی شوم سی سال پیش، در

این ها نگرانی از جانب طوفانهای موسمی از نوع دوخرداد و جنبش سبز، و تخلفات خودی ها و برادران خونی شان در جنبش اسلامی، ندارند. اگر آنها را میزنند برای زهرچشم گرفتن از مردم و نیرویی است که گورکنان واقعی سازماندهندگان سه دهه این زندگی جهنمی برای مردم ایران اند. نگرانی این ها از تعرض جوانانی است که سهم خود را کمتر از سهم هیچ جوانی در جهان نمی دانند. نسلی که تباهی زندگی کودکی اش را دستمایه مبارزه برای دسترسی به یک زندگی جوانی انسانی، همین امروز، کرده است. نسلی که با ایده های انسانی دنیا معاصر، با چپ و کمونیسم و آزادیخواهی شناسست و بشدت از آن متأثر است. ترس رژیم از به میدان آمدن متحد و متشکل کارگرانی است که در منگنه فقر و فلاکت زندگی شان به تباهی کشیده شده است. از خشم میلیونی زنانی در خوف اند که زندگی کودکی شان له شد و به موقعیت "محجورین" و بردگان پرتاب شدند! ترس و نگرانی رژیم واقعی است. همه قربانیان "باران رحمت الهی شان" حکومتشان، در کمین حمله نشسته اند. و امروز جوانان و دانشجویان در سراسر ایران در مقابل دست درازی بیشتر رژیم به محیط آموزشی شان مقاومت میکنند.

سازمان دادن جامعه ای که در آن شهروندانش از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم اند، شریک اند. در فقدان آزادی عقیده و بیان و ستم برزن و محرومیت کارگر از حق اعتصاب و تشکل، شریک اند. در پس شعار "مرگ بر دیکتاتور" اسلام سبز، "مرگ بر رژیم" و مرگ بر نظام ضد بشری جمهوری اسلامی با قانون اساسی و زن ستیزی و قوه قضائیه و

از به میدان آمدن متحد و متشکل کارگرانی است که در منگنه فقر و فلاکت زندگی شان به تباهی کشیده شده است. از خشم میلیونی زناتی در خوف اند که زندگی کودکی شان له شد و به موقعیت "محجورین" و بردگان پرتاب شدند! ترس و نگرانی رژیم واقعی است. همه قربانیان "باران رحمت الهی شان" حکومتشان، در کمین حمله نشسته اند.

وزارت اطلاعاتشان، خوابیده است! در پس شعار فریبکارانه "مرگ بر دیکتاتور"، "زنده باد" جمهوری اسلامی "خوش خیم"، بدون احمدی نژاد با موسوی خوابیده است! جوانان و دانشجویان باید پرده این فریبکاری را کنار بزنند و واقعیات پشت بساط "مارگیری" جنبش اسلامی سبز را به همگان نشان دهند.

مسئله دانشجویان جابجایی احمدی نژاد با موسوی نیست! مسئله دانشجویان جابجایی مهره های قهر کرده حکومت با مهره های حاکم نیست. دانشگاه، محیط دانش و علم و تحصیل، اسلام سبز یا سپاه برنمی دارد، جدایی دختر و پسر و اسلامی کردن علوم طبیعی و فقهی کردن علوم و اراجیفی از این دست برنمی دارد. دانشگاه جدایی دختر و پسر و تبعیض جنسی و آپارتاید جنسی برنمی دارد. فضای باز آموزشی، جدایی آموزش از مذهب، کوتاه شدن دست مذهب و اسلام از دانشگاهها و همه مراکز تحصیل، و جدایی کامل مذهب از دولت، و پاکسازی دانشگاهها و مدارس و همه مراکز تحصیلی از جوانان و دانشجویان است. این خواست قلبی میلیونها جوانی است که در ایران امروز تنها در سایه اختناق امکان بیان آن را ندارند.

مصاف جوانان با سلسله ای از دیکتاتورها !

از جمله مردمی که در جهان میتوان بحالش گریست، و در عین حال به آن امیدهای بزرگ بست، مردم و جوانان ایران است. مردمی امیدوار، خوشبین به آینده و دخالتگر، که صدسال است برای ساختن یک جامعه انسانی برای خود و فرزندان، بارها و بارها، به میدان آمده اند.

کسانی که سی سال پیش به امید خلاصی از ساواک و دیکتاتوری و

مجازات اعدام

و قبحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجایی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میگذارد مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکنند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه

قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و

حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکنند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارعاب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حکمت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاتلندی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و

با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتش نشان بیاندازد و یا به دریا تازیانه بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببیت هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلائل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ریف اول متمهین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۲۶ ۱۳ آبان ۱۳۷۹ - ۳ نوامبر ۲۰۰۰

اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان

زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق منی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی

کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قبل قبولی یافت یا ایجاد کرد

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه

تنها با روی آوری به سمت نیرو و جنبشی که آمل و آرزوهای جوانان و اکثریت مردم را همین امروز بدون هیچ سازش و مسالحه ای مطرح میکند، نیرویی که میخواهد و میتواند خلاصی از شر جاتوران اسلامی در ایران را با دستیابی به یک زندگی آزاد، برابر و انسانی برای همه مردم ایران ببار آورد، میتوان امیدهای بزرگ را متحقق کرد.

جوانان و دانشجویان نیرو و قدرتی عظیم در مقابل حکومت های دیکتاتوری اند. باید رفتن دیکتاتورها را با براندازی نظام و سیستم دیکتاتور پرورها همراه کرد. باید رفتن دیکتاتور ها را با براندازی نظام و سیستمی که برای کشیدن کار از کرده میلیونها مردم کارگر و کارکن و محروم جامعه، به دیکتاتور و دیکتاتوری نیاز دارد، همراه و همزمان کرد.

و رهایی آنها باشد. دیکتاتور را به زیر کشیدن بدون اینکه به دیکتاتوری پایان داده باشند. به رابطه ارباب رعیتی "شاه و ملت" ختمه داندند بدون اینکه یک رابطه انسانی با قدرت بعدی را شکل داده باشند. و در خلا قدرت مردمی که منشا انسانی داشته باشد، گرفتار جاتور و طاعونی، به مراتب مخوف تر و سیاه تر، بنام جمهوری اسلامی شدند.

در مقابل جوانان و دانشجویان در ایران امروز انتخاب های متفاوت و عمدتاً متفاوت منفاعی قرار دارد. بخشی از خود حاکمیت با استفاده از نیروهایی چون دفتر تحکیم وحدت و طیفی از روشنفکران کم ملیه و فرصت طلب، تلاش میکند که نیروی جوانان را پشت جبهه جابجایی مهرهایی در حکومت، اسلام سبز به جای اسلام سیاه، کند. تلاش میکند همچون تجربه به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، جابجایی دیکتاتورها را بعنوان "پیروزی" به مردم قالب کند. مستقل از امکان یا عدم امکان سناریو جمهوری اسلامی دوم، مسیر گرفتاری در دامان جنبش سبز، کتال ورود هر سناریو ارتجاعی و ضد مردمی دیگری است. سناریوهایی که میتواند سرنوشت نسلهای بعدی را تباه کند.

لپسید اول، به میدان آمدن مردم، اعمال قدرت کردن و به زیر کشیدن دولت تا ندنن مسلح توسط مردم، امیدوار کننده و شورانگیز است. اما لپسید دوم، یعنی دست بست شدن قدرت در کمپ دشمنان مردم، پرتاب شدن قدرت ارتجاعی بعدی به مقام حاکمیت، میتواند شرایط زندگی مردم را مخوف تر از قبل کند. انتخاب

سیاسی درست، و در هر لحظه مبارزه امروز، تنها ضامن تکرار نشدن

پاکسازی دانشگاهها

تاج و تخت، برای احیای حرمت انسانی شان علیه حکومت شاه به میدان آمدند. انقلاب و قیام کردند تا برای همیشه به نمایش موقعیت رعیت ملبانه در محضر شاهنشاهی "نارسیست" که هر روز خود را به صفقی، "شاهنشاه، آریامهر، بزرگ ارشتاران و سایه خدا و جاودان ... " ملقب میکرد و مردم را از هر حقی محروم میکرد، پایان دهند. مردمی که نون شان و حرمت انسانی خود میدانستند که به فرمان "اعلیحضرت همایونی" حتی در غیاب او، با شنیدن نام "عالیجناب" ادای احترام کنند و در سینماها و مراکز عمومی "خبردار" بپا خیزند. به میدان آمدند تا به قلدری ارتش این شاهنشاه، که بنام منافع مردم ایران، مامور سرکوب اعتراضات در خاورمیانه بود، پایان دهند. و به آن پایان داند، بدون اینکه پایان حکومت دیکتاتور، آغاز آزادی



ساعات و فرکانس تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو هر روز ساعت ۳،۳۰ بعد از ظهر و ۲،۳۰ شب به وقت تهران از کانال شش روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش:

HOTBIRD
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 134
Downlink Frequency: 11200
Downlink Polarity: Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو را همچنین همزمان از سایت www.glwiz.com و یا انتخاب Channel 6 میتوانید مشاهده کنید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

در دفاع از زندانیان سیاسی زندان سندانج

در هفته گذشته فشار بر زندانیان سیاسی در زندان ها و بویژه در زندان سندانج افزایش یافته است. طبق اطلاعات زندانیان، خانواده هایشان و فعالین دفاع از زندانیان سیاسی، جواد علیزاده، داوود جوانمرد و فردین مرادی بدون اطلاع قبلی به آنها و یا دلیلی از زندان سندانج انتقال داده شده اند. این موضوع به نگرانی در مورد وضعیت زندانیان و توطئه های رژیم بر علیه زندانیان و مبارزه مردم افزوده است. این چنین وضعیتی موجب نگرانی شدید خانواده های زندانیان و زندانیانی است که حکم اعدام دارند.

واقعیت این است که رژیم در سندانج و شهرهای کردستان در تلاش بود که سرکوب خونینی راه بیندازد. ترورهای زنجیره ای قرار بود زمینه ساز این اتفاق باشد. بدون تردید زندانیان اولین هدف رژیم بودند. تعدادی از زندانیان که در بیدادگاه های جنایتکاران حکم اعدام گرفته اند در معرض این خطر بودند. همه متوجه این ترغیب شدند. دست رژیم رو شد. نتوانستند ادامه بدهند. عقب نشستند و مرتجعین همقطارشان مانند القاعده و سلفی ها که سالهاست در دامن دستگاه های امنیتی حفظ شده بودند قریبانی شدند.

فشار بر زندانیان در اشکال دیگری در جریان است. و بعید نیست در آستانه روز جهانی بر علیه اعدام تعدادی از زندانیان به جوخه های دار سپرده شوند.

ما همراه با همه زندانیان و همراه با نگرانی همه خانواده های زندانیان سیاسی از جمله جواد علیزاده، فردین مرادی و داوود جوانمرد خواهان کوتاه شدن دست زندانبانان از توطئه های احتمالی و همزمان خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام برای زندانیان دارای این حکم هستیم.

کمیته کردستان حزب حکمتیست مردم آزادیخواه شهر سندانج و همه فعالین سیاسی و اجتماعی را فرا میخواند که صدای اعتراضشان را با نگرانی و اعتراض زندانیان و خانواده هایشان یکی کنند و اجازه ندهند که رژیم با تهدید زندانیان، فضای سرکوب و استبداد خونینی را حاکم کند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۶ مهر ۱۳۸۸
۸ اکتبر ۲۰۰۹

آزادی بی قید و شرط بیان

هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد کند و یا به چنین نهادهایی بپیوندد. داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افترا، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است. تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آزاده نظرات افراد ممنوع است. جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد ممنوع است.

(از بیان حقوق جهانشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست)

هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند. حزب حکمتیست اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاستهای جامعه اعلام میکند.

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است